



## این بانوی هنرمند دیوارهای پایتخت را خط می‌زند

«سمیرا مقامی دانا» هنرمند کالیگراف ساکن یک محله از شهر درندشت پایتخت است که از مدتی قبل آثار خطاشی‌اش بر دیواره‌های شهر خوش درخشیده و خیابان‌ها و کوچه‌ها را شاعرانه کرده است.

**همشهری آنلاین - نصیبه سجادی:** دیوارهای خسته پایتخت را با هنر دستانش رنگ زندگی بخشیده و می‌گوید اگر می‌توانست، بر همه در و دیوار شهر رنگ می‌پاشید و با ترسیم هنرمندانه خط و نقاشی و تزریق احساس به رهگذران پرشتاب کوچه و خیابان، آرامش و امنیت را به آنها هدیه می‌داد تا با قدرت به ادامه راه در مسیری فکر کنند که بسیار شلوغ است و پرتنش.

**خواندنی‌های بیشتر را اینجا دنبال کنید**



## هنر خطاطی و آرامشی که دارم

از دیدن نقاشی دیگران حظ زیادی می‌برد، ولی هیچگاه این هنر مثل خطاطی او را مجذوب نکرد. مقامی دانا می‌گوید: «اگر یک اثر نقاشی به دستم می‌رسید و در کنار آن اثر، مثلاً یک خط خطاطی کار شده بود، بیشتر مجذوب هنر خطاطی می‌شدم تا نقاشی. نقاشی بود که همیشه روحم را به پرواز در می‌آورد و به من آرامشی می‌داد که هیچ‌جایی آن را پیدا نمی‌کردم.»

با آموزش خط نستعلیق شروع کرده و دوره‌های خطاطی را در کلاس‌های آموزشی گذرانده است. او ادامه می‌دهد: «چند سال به دلیل رشته دانشگاهی‌ام که مترجمی زبان است کار ترجمه را انجام می‌دادم و کتاب‌هایی را ترجمه کردم. همان زمان کلاس‌های خطاطی را هم دنبال و در این رشته کسب تجربه کردم.»

شرکت در این کلاس‌ها به او می‌فهماند که عشق اول و آخرش خطاطی است و تصمیم می‌گیرد که آن را ادامه دهد. مقامی دانا می‌گوید: «خطاطی حالت تابلویی و دکوراتیو ندارد و چون من چیزی فراتر از هنر خط می‌خواستم بعد از مدتی به نقاشی‌خط روی آوردم و ترکیب نقاشی با خط همانی بود که سرانجام حس همدوستی مرا اقناع و ماندگار کرد. آن را آموختم و هنوز هم به آموخته‌هایم می‌افزایم.»

وقتی به او پیشنهاد می‌شود که دیواره‌های شهر را خط بزند و با هنر دستانش آن را زیبا کند پیشنهاد را می‌پذیرد. این هنرمند بقیه ماجرا را اینطور شرح می‌دهد: «این بهترین پیشنهادی بود که تا آن زمان به من شد. برای همین ترجمه را کنار گذاشتم و تمام و کمال در این رشته فعالیت کردم.»



## اجرای خوب، خاطرات خوبتر با مردم

دیواره تقاطع خیابان حافظ- طالقانی و [دانشگاه](#) اکو در خیابان نظامی گنجوی را خطاطی کرده و خاطرات خوبی هم از روزهایی دارد که در سرما و گرما روی نردبان یا داربست در خیابان می‌ایستاد و با عشق کار می‌کرد و به خاطر انرژی خوبی که از رهگذران می‌گرفت، لحظه‌ای احساس خستگی نمی‌کرد. در طراحی دیواره دانشگاه اکو در محله نظامی به دلیل نام شاعرانه این محل تصمیم گرفته از اشعار نظامی استفاده کند و با استفاده از کتاب هفت پیکر این شاعر گرانقدر، هفت گنبد را بر تن ۷ دیوار دانشگاه طراحی می‌کند، نقاشی‌خط خلاقانه‌ای که به گفته او بازتاب خوبی میان ساکنان و افرادی داشته که در این دانشگاه تردد می‌کردند.

مقامی دانا ادامه می‌دهد: «در حین کار از سازمان‌ها از فعالیت‌ها و اثرم فیلم‌برداری می‌کردند، دانشجویان برای تحقیق عکس می‌گرفتند. بارها شد اهالی درباره طرح و اینکه چه چیزی می‌کشم یا اینکه قرار است چه پیامی منتقل کند از من سوال پرسیدند. اغراق نیست اگر بگویم که در یک روز چند بار از داربست پایین می‌آمدم و به سوالات رهگذران جواب می‌دادم و با احساس و شادی آنها همراه می‌شدم. شهروندان و به‌ویژه ساکنان اطراف این دیواره‌ها از اینکه طرح و نقش‌هایی روی دیواره‌های بی‌رنگ و روح کشیده شد شاد بودند و همین را به من هم منتقل کردند.»

او ادامه می‌دهد: «اصلا خاصیت هنر همین است و نقاشی‌خط یا نقاشی دیواری به‌ویژه به دلیل ویژگی‌های بصری می‌تواند با مردم ارتباط بگیرد و ذهنشان را درگیر کند و ماندگار شود.»

به گفته این بانوی هنرمند، هنر نقاشی دیواری، از یک طرف شهری زیبا و خلاق به شهروندانش هدیه می‌دهد و از طرف دیگر شاعران و هنرمندانش را به آنها می‌شناساند. سلیقه و ذوق مخاطبان را هم ارتقا می‌دهد تا دیگر دنبال هنرهای سطحی و مبتذل نروند.»

## رفع خستگی با مهر مردم

روزهای شروع این کار و رفتن بالای داربست برای این هنرمند با خاطراتی همراه بوده که فراموش نمی‌کند. او می‌گوید: «تا قبل از اجرای کالیگرافی روی دیوارهای شهر تجربه رفتن و ایستادن روی داربست را نداشتم و اولین بار که این کار کردم تمام پاهایم می‌لرزید، ولی به خاطر عشقی که به کارم داشتم و از طرفی نگاه تحسین‌برانگیز مردم همه ترس‌هایم فرو ریخت.»

او خاطره‌ای هم از آن روزهای خوب به یاد دارد: «خانم‌های محله برایم چایی و شیرینی می‌آوردند، نگهبان دانشگاه اگو که هر روز مرا حین کار می‌دید می‌ایستاد و دیوار و روند کار را بررسی می‌کرد و با یک لیوان دمنوش و گفتن خسته نباشید پذیرایی می‌کرد. آنقدر از اهالی و احوالپرسی‌هایشان قدرت می‌گرفتم که در مرداد ماه و اوج گرما اصلاً معنی سختی را نمی‌فهمیدم و هر شب به امید اینکه دوباره کارم را شروع کنم به صبح می‌رساندم و صبح سرحال‌تر کارم را شروع می‌کردم.»

او می‌افزاید: «طرح‌هایم بیشتر در مناطق پرتردد اجرا می‌شد و افراد زیادی هر روز از این مسیر می‌گذشتند و دوست داشتند که مشابه آن در محله‌های خودشان هم اجرا شود. مسئولان وقت منطقه هم بنا داشتند بیشتر مکان‌های شلوغ را با نقش‌های هنری زیبا کنند ولی به دلایلی کار متوقف شد.»

## برنامه‌ها و آرزوهای هنرمند شهر ما

مقامی دانا در **نمایشگاه‌های داخلی** شرکت کرده و قرار است به زودی آثارش را در ۲ نمایشگاه خارج از کشور به معرض نمایش بگذارد. آرزوی این است که مسئولان به اهمیت این هنر و ضرورت استفاده از آن در القای آرامش در شهروندان پی ببرند.

او می‌گوید: «استفاده از رنگ‌های شاد و زیبا کردن درو دیوار کوچه و معابر می‌تواند از خاکستری بودن شهر بکاهد و به آن روح بدمد. کاری که در تمام دنیا انجام می‌شود شهرهایی که با نقاشی‌های دیواری زیبای‌شان شناخته شده هستند، مثل فرانسه، آلمان.»

او خود را هنوز ابتدای راه یادگیری هنر نقاشی‌خط می‌داند و لفظ هنرمند را به سختی درباره خودش به کار می‌برد، ولی معتقد است: «دعوت از هنرمندان چه مبتدی و چه حرفه‌ای باعث می‌شود آنها خود را محک بزنند و در این آزمون و خطاها سطح کیفی این هنر نیز بالا می‌رود و طرح‌هایی بر تن خیابان‌ها و محله‌ها می‌نشیند که به دلیل ارزش هنری بالا آرامش را به مردمانش هدیه می‌دهد.»

مقامی دانا تأکید می‌کند: «همانطور که هنر فرش ما در دنیا به جایگاه خوبی رسیده، باید هنرمندان این عرصه نیز حمایت شوند و فرصت‌های بیشتری در اختیارشان قرار گیرد و هنرشان را عرضه کنند تا بعد از این گردشگران، تهران را برای دیدن آثاری که بر تن دیوارهایش نشسته برای سفر انتخاب کنند.»